

خداحافظ اسلام سیاسی

لیلا چمن خواه

Leyla Chamankar has Ph.D. in Political Science

Teaches at University of Kerman

and does Research on Religious Minorities and Multiculturalism

دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران و حوادث پس از آن را می توان از زوایای گوناگون تفسیر کرد. می توان از چشم انداز حقوق بشر به آن نگرست، می توان تأثیر آن را بر رابطه ایران و غرب و مشخصاً ایران و آمریکا مورد بررسی قرار داد و به آینده روابط آنها از این منظر نگاه کرد و یا می توان فی المثل پیامدهای آن را در مذاکرات هسته ای نشان داد. اما من در اینجا نگاهی دارم به انتخابات از چشم انداز «دین سیاسی» حاکم که قریب سی سال است توجیه ایدئولوژیک لازم برای اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور را فراهم آورده و منبع مشروعیت آن بوده است.

«دین سیاسی» چیست؟ و فرق آن با دیگر انواع «دین ورزی» در چیست؟ ساده ترین تعریفی که می توان ارائه کرد این است:

«دین سیاسی» نوعی ایدئولوژی سیاسی است که از قدرت سیاسی و فرهنگی هم وزن با یک دین آسمانی برخوردار است و شباهت های جامعه شناسانه و ایدئولوژیک بسیاری با آن دارد. دین سیاسی منجر به قداست حوزه سیاست شده، از این رو به زیر سؤال بردن اصول و سیاست های حکومتی عملی غیر دینی محسوب می شود. «دین سیاسی» اساساً سکولار و فاقد عناصر روحانی یا الهی است، اما از دین چون ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی استفاده می کند.

http://en.wikipedia.org/wiki/political_religion

«اسلام سیاسی» در ایران که نمونه بارزی از «دین سیاسی» را به نمایش می گذارد، تجلیات گوناگونی از قبیل نمادسازی ولایت فقیه، کیش ملت یا تقدس ملت، گرایش های آخرالزمانی^۱ و تمایز دینی و سیاسی میان خود و دیگری که با اصطلاحاتی از قبیل «خودی» و «غیر خودی» بیان می شود، داشته است. بنابراین این دین به غیر از ساختارهای قانونی، سلسله مراتبی که یکی دیگر از ویژگی های دین سیاسی است، واجد همه مشخصاتی است که یک دین سیاسی باید باشد. در ذیل به برخی از این مشخصات اشاره می کنیم.

۱- ولایت فقیه به معنایی که در آثار رهبر انقلاب و پیروانش برای توجیه حکومت مبتنی بر حق فقهای شیعه به کار رفت، آمیزه ای است از مایه های فقهی تشیع، مفاهیم عرفانی «انسان کامل» در اندیشه «فیلسوف - شاهی» افلاطون که «نقش مرشد را در هدایت معنوی پیروانش بر عهده دارد» (Dabashi, 2006, 413) و «پوپولیسم آمریکای لاتین» که به دلیل شباهت های ایران عصر پهلوی با کشورهای آمریکای لاتین در سال های منجر به انقلاب در ایران خریدار بسیار پیدا کرد. یرواند آبراهامیان چنین استدلال می کند که مفهوم «امام» روایت ایرانی - شیعی از مفاهیم آمریکای لاتینی است که در سال های دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی در ایران و دیگر کشورهای جهان سوم رواج داشتند.

(Abrahamian, 1993, p. 17, 37-38, 43)

ولی فقیه نه فقط واجد اختیارات سیاسی و دینی پیامبر و امام، بلکه حامل قدرت سیاسی حاکم مدرن است و از این روست که می تواند در صورت مصلحت احکام الهی را نیز تعطیل کند. افزون بر این، وی به پشتوانه ولایت بر پیروانش، حق دارد در امور شخصی آنها دخالت کند و ولایتش نیز باید از جانب آنها پذیرفته شود. یوسف صانعی در درس گفتارهای ولایت فقیه به صراحت از چنین اختیارات «خلاف قانون‌های اولیه» دفاع و آنها را در راستای حاکمیت پیامبر بر مسلمین ارزیابی می کند. (صانعی، ۱۳۶۴، درس دوم، صص ۳۵-۳۶) بنابراین ولایت وی، ولایت پیامبر و امام و حکومت او نیز مبتنی بر اختیارات الهی است. (همان، ص ۱۴۳)

صانعی همچنین استدلال می کند که طبق روایات شیعی، «جهاد و نماز و روزه و زکات همه و همه ... تحت الشعاع ولایت فقیه» اند:

«اسلام بر اساس نماز و روزه و حج و جهاد پایه گذاری شده است، اما آنگونه که مردم به ولایت تکلیف شده اند به هیچ یک از آنها تکلیف نشده اند. یعنی جهاد و نماز در مقابل ولایت ارزش کمتری دارد». (همان، صص ۱۵۰-۱۵۱)

۲- پدیده ای که رابرت بللا آن را «کیش ملت» می نامد، (Gentile, 2008, p.131) و یکی از ممیزات «دین مدنی» از «دین سیاسی» می داند، در ایران با اصطلاحاتی چون «ملت مقدس ایران»، «ملت عزیز»، «ملت شریف ایران»، «ملت با عظمت و توانا»، «ملت با نشاط» و «ملت آزاده» به کار رفته است. (رج به سایت شخصی احمدی تژاد: <http://www.ahmadinejad.ir>)

۳- کیش ملت و تقدس آن در ایران پدیده جدیدی نیست، اما آنچه که جدید است پیوند میان مایه های شیعی و سیاسی است که مجرای جز پوپولیسم ندارد.

۴- همچنان که متاله پروتستان مارتین مارتی اشاره کرده است، یکی از آفات دین که می تواند آن را به هاویه دین سیاسی بیاندازد، فقدان کارکرد پیامبرانه و در عوض برخوردار شدن از نقش واعظانه^۲ است. یک دین اگر بخواهد انسجام اجتماعی ایجاد کند، باید واجد کارکرد اول باشد، یعنی بتواند اخلاق یک ملت را آن زمانی که از اصول و وظایف اخلاقی اش منحرف شد به نقد بکشد و آن را به اصلاح و پیراستن خود وادارد. اما نقش کشیش وار متضمن بر کشیدن ملت، ارتقای آن به جایگاهی مقدس، و نگاه به آن به مثابه «مدلی از بی گناهی، فضل، و انسانیت» است. (Wood, 1988, p. 14) چنین شرایطی زمینه را برای زایش «دین سیاسی» فراهم می آورد که در نقطه مقابل دین، انسجام بخش اجتماعی و حتی کشنده آن است. موارد متعددی از این نقش کشیش وار را می توان هم در سخنان رهبر انقلاب و هم شخص اول نظام سید علی خامنه ای دید. وی در سخنانی به مناسبت انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری که در نهم اردیبهشت ۱۳۸۸ و قبل از انتخابات ایراد کرد، رأی مردم ایران را «پدیده ای مبارک» دانست که همواره بر کات فراوانی را نصیب کشور کرده و می کند. <http://Khamenei.blog.com/8802.aspx>

۵- مشابه همین سخنان در فردای پس از انتخابات گفته شد که در آن مجدداً از عظمت، خوبی، بزرگی، وفاداری، و با گذشت بودن ملت ایران سخن به میان آمد. (رج به سایت شخصی سید علی

خامنه‌ای: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7435>

۶- «دین سیاسی» همچنین به ملت آینده‌ای پرافتخار وعده می‌دهد که محققاً بدان خواهد رسید. ایمان کور به قدرت نامحدود یک ملت بر جهان و توانایی آن برای تغییر جهان، یکی دیگر از ویژگی‌های کیش ملت است. در این مرحله است که نمی‌توان میان ملت به مثابه یک «موجودیت سیاسی» و ملت به عنوان «موجودیتی دینی» تمایز و تفاوت قائل شد. اریک وگلین یکی از مهمترین نظریه پردازان «دین سیاسی» در خصوص جابه‌جایی ملت با مفهوم خدا سخنان جالبی دارد. وی آن را یک خطای الهیاتی جدی ارزیابی کرده، آن را نشانه‌ای دال بر مرگ خدا می‌بیند. جنتیله نیز یکی از هنگامه‌های مهم پیوند دین و سیاست را جنگ می‌داند که طی آن «الهیات جنگ» از نمادهای ملی مانند پرچم استفاده‌های دینی می‌کند: «دین سیاسی مدعی ارائه تنها تفسیر درست از سیاست ملهم از دین است، اما در واقع ملت را تقدیس می‌کند». (p. 136, 2008)

۷- افزون بر موارد گفته شده، دین سیاسی در ایران متضمن گرایش‌های قوی آخرالزمانی هم هست. به اختصار بگوییم که این قبیل گرایش‌ها مخصوص جوامعی است که در نتیجه ناکامی در تحقق اهداف وعده داده شده و جستجو برای یوتوپیا - منجمله بنا کردن بهشت موعود بر روی زمین از طریق قوانین اسلامی - به ترسیم چشم اندازی آخرالزمانی مبادرت می‌کنند که می‌تواند برای توده‌ها امید به ارمغان بیاورد. از این چشم انداز، «دین سیاسی» در ایران واجد هر دو عنصر رهبر مسیحایی که متعلق به دوره پیشا آخرالزمانی و چشم انداز آخرالزمانی است که این دومی مکمل اولی به شمار می‌رود. نشانه‌های این گرایش در ایران امروز را می‌توان در تمایل جامعه و دولت به مراسم و مناسک دینی مانند زیارت اماکن مقدسه به ویژه زیارتگاه‌های شیعی، تمایل به حضور در برخی مساجد مانند جمکران که بر مبنای رویای یکی از معتقدان به ظهور ساخته شده، مشاهده کرد. (برای مشاهده یکی

از بهترین نمونه‌های چشم انداز آخرالزمانی رج به: <http://rajanews.com/detail.asp?id=33785>

۸- مهدی خلجی در بررسی ارزشمند خود با عنوان «سیاست آخرالزمانی» بر این باور است که زمانی که دولت ایدئولوژیک در تحقق وعده‌های اولیه خود که به پشتوانه آنها بسیج لازم برای انقلاب اسلامی را فراهم کرده بود، ناکام ماند، شمار زیادی از ایرانیان به دنبال بدیل که یکی از آنها کیش امام غایب است، به راه افتادند با این امید که حکومت عدل جهانی را تأسیس کنند. وی افزایش تعداد مدعیان امام زمان یا مرتب‌ترین وی را یکی از شواهد این امر ارزیابی می‌کند و آخرالزمانیت را شکل ابتدایی از دین می‌داند که پناه گرفتن در آن به عنوان یک دنیای جدید به مؤمنان قدرت و اهمیت می‌بخشد. (Khalaji, 2008, p. 7)

رهبر و رئیس جمهور فعلی نظام را می‌توان چهره‌های آخرالزمانی دانست که در نتیجه از میان رفتن رهبر فرهمند به قدرت رسیدند، و هر دو نیز بر نقش ائمه شیعه و مشخصاً امام عصر در مقایسه با عوامل دیگر در حل مشکلات بشر امروز تأکید و در آن اغراق می‌کنند. در گفتمان آخرالزمانی باورهای دینی مانند استخاره و مشورت با امام عصر در مقایسه با عقل، نقش برجسته تری دارند. ادعای ارتباط با امام که ایده قدیمی در ایران است و به شکل‌های مختلف در زمان‌های مختلف خودنمایی کرده است، به پیروان و منتظران وی اعتماد به نفس و قدرتی برای پیاده سازی مأموریت الهی شان بر روی زمین می‌بخشد. مجاری متعددی می‌توان برای این گفتمان در نظر گرفت که از «سوسیالیسم»

تا آرمان های «توتالیتری» قرن بیستم را در بر می گیرد. لازم به ذکر است که آخرالزمانیت و تأکید اغراق آمیز بر باورها و شخصیت های دینی همواره جایگاه حاشیه ای در حوزه های علمیة شیعه داشته و غالباً از سوی روحانیت تأیید نمی شده است. (۷.p, ۲۰۰۸)

دیگر فرق مهم باورمندان ایرانی به آخرالزمانیت با روحانیت شیعه، دفاع از «جهاد تهاجمی» و تبرعه آن در پوشش «جهاد تدافعی» است.

جهاد تهاجمی «تصمیم سیاسی مقدسی» است که توسط آن حاکم اسلامی اصول دینی و الهی را اجرا می کند. لازم به توضیح نیست که سیاست خارجی در ایران پس از انقلاب و به ویژه در چهار سال اخیر همواره بر اساس الگوی فوق طراحی و پیاده شده است. (p. 8, 2008)

انتخابات اخیر بیش از هر چیز ساختگی بودن نماد ولایت فقیه به عنوان مهمترین نماد «اسلام سیاسی» در ایران را نشان داد. از دفاع «رهبر» از نتیجه انتخابات که «آزمون الهی» انتخابات نامیده شد، تا مجوز رسمی ترور و سرکوب در خطبه های نماز جمعه تهران یک هفته پس از انتخابات، همگی ثابت کرد که برای حفظ این نماد مهم، باید همزمان از تقلب و سرکوب سود جست. همچنین نیروهای مسلح نظام که بازوی مهم آن در حفظ امنیت، سرکوب در داخل و تعقیب بلندپروازی های منطقه ای و بین المللی اند، وظیفه مهم کشتار، آدم ربایی و حبس فعالان سیاسی و اجتماعی را در مقیاس کلان بر عهده داشته و دارند.

تضعیف نماد ولایت فقیه که نقش محوری را در قوام «دین سیاسی» در ایران داشته و دارد، منجر به تضعیف دیگر اجزای دین سیاسی شده است. با حوادث اخیر، «ملت مقدس ایران» یا اصطلاحاتی مشابه چون «ملت عزیز»، «ملت شریف ایران»، «ملت با عظمت و توانا»، «ملت با نشاط» و «ملت آزاده» که حکایت از اندیشه «ملت به مثابه یک موجودیت مقدس» دارد و در سخنان رهبر نظام و رئیس جمهور مکرراً مورد استفاده قرار گرفته و می گیرد، فاقد ارزش شده است. سرکوب های اخیر که زیبایی های اسلام سیاسی را تمام قد در برابر چشمان همه بر ملا کرد، چیزی از ارزش و تقدس ملت باقی نگذاشته است.

کوتاه سخن آنکه از سویی با بی اعتبار شدن «دین سیاسی» در ایران و از سوی دیگر بنا به این استدلال صحیح که هیچ جامعه ای نیست که از دین یا هر نظام معنایی دیگری بی نیاز باشد، جامعه ایران می باید به سوی «دین مدنی» که برداشتی مدرن، دمکراتیک، و متکثر از دین است، حرکت کند. به دلیل ابهام در مرزبندی میان دین و دولت و فقدان تکثر دینی - که با تنوع دینی ۳ یا تنوع در نظام ها معنایی متفاوت دارد - این گذار اگرچه دشوار است، اما ناممکن نیست.

- Mehdi Khalaji, Apocalyptic Politics; On the Rationality of Iranian Policy, (The Washington Institute for Near East Policy, 2008).
- Eric Voegeline, Political religions, Translated by: T.J. Dinapoli & E. S. Easterly, (Lewinston, 1986).
- Ervand Abrahamian, Khomeinism; Essays on the Islamic Republic, (University of California Press, Berkley and London, 1993).
- Hamid Dabashi, Theology of Discontent, (Transaction Publishers, New Brunswick and London, 2006).
- God's democracy; American religion after September 11, Emilio Gentile, (Praeger, London & Connecticut, 2006).
- Ralph C. Wood and John E. Collins, (Eds), Civil Religion and Transcendent Experience, (Wake Forest University, USA, 1988).

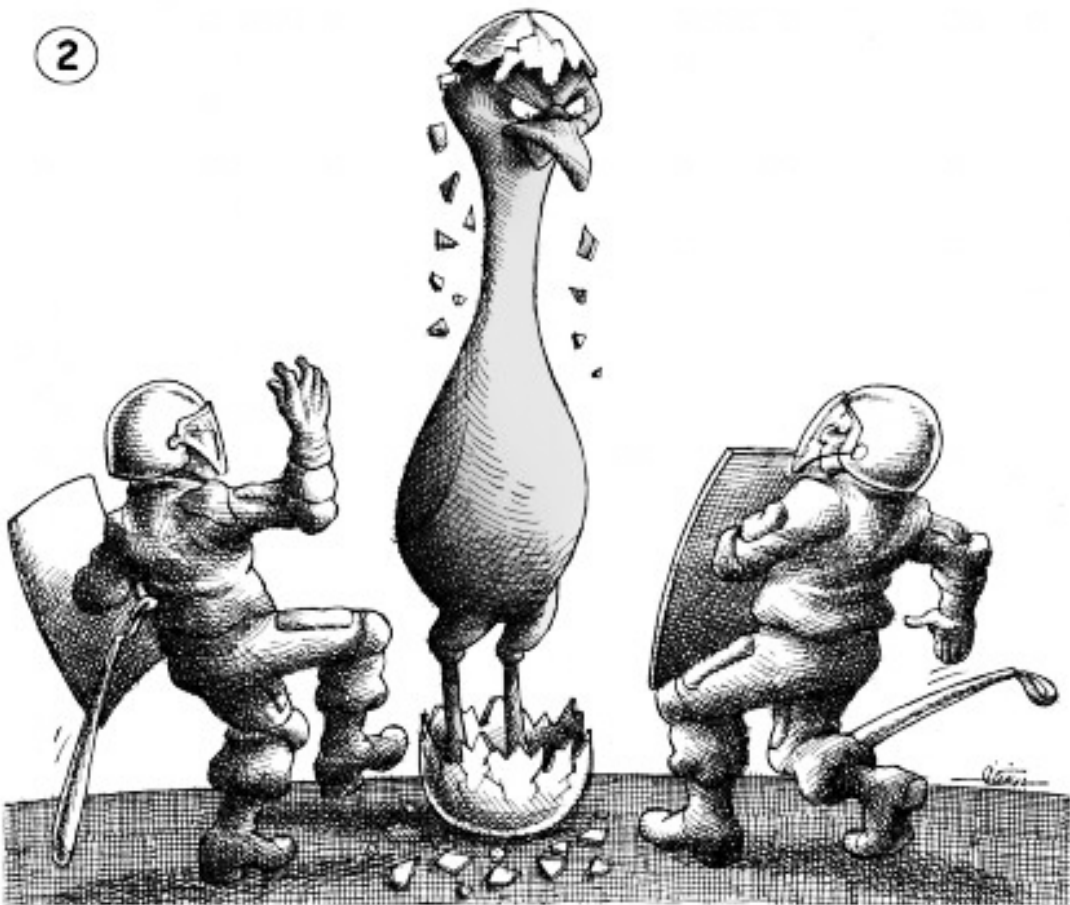
و سایت های:

<http://Khamenei.ir> <http://en.wikipedia.org> <http://ahmadinejad.ir>

1



2



تولد